

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۶ اگست ۲۰۲۱

بحران‌ها با حیات سرمایه‌داری جهانی عجین‌اند

سرمایه‌داری در تاریخ هرگاه با بحران‌های شدید اقتصادی مواجه شد، برای غلبه بر آن راه حل جدیدی را ابداع و به مثابه «نقطه عطفی» وارد مرحله جدیدی از مناسبات سرمایه‌داری گشت! غافل از این که بحران در ذات روابط سرمایه‌داری است و این امر با انباشت نجومی سرمایه - امروز با ابعادی بس وسیع‌تر و عمیق‌تر از همیشه - خود را به منصفه ظهور گذارده است. یکی از عوامل مؤثر و مهم در ایجاد و رشد بحران‌های دوران اخیر اجرای سیاست نئولیبرالیستی چهار دهه گذشته بوده است که امروز پاندمی کوید-۱۹ - بار دیگر بحران‌های درون سرمایه‌داری جهانی را برملا ساخته است. بحران‌هایی که با شدت و حدتی بیش از گذشته دامن اقشار وسیعی از جوامع بشری را گرفته است. بحران‌هایی که سرمایه‌داری جهانی در حل آنها عاجز مانده است.

نئولیبرالیسم در بطن پاندمی رو به احتضار است.

در ۴ دهه گذشته نئولیبرالیسم به عنوان «راه حل نهایی و شکست‌ناپذیر» به جهانیان معرفی می‌شد. یکی از اصول تعیین‌کننده نئولیبرالیسم به مثابه الگوی محافظه‌کاران نئولیبرالی، که به ویژه از زمان «مارگارت تاچر» و «رونالد ریگان» با شدت و حدت دنبال شد، کاهش حتی‌المقدور نقش دولت به نفع بازار آزاد، «خلافت» آن و خصوصی‌سازی‌ها بود، که عامدانه به جان دولت رفاه افتادند. خدمات عمومی «دولت رفاه» به ویژه در بخش آموزش، بهداشت و درمان به بخش خصوصی واگذار شدند. محدود شدن حداکثری بودجه‌ها و شبکه‌های حمایت از اقشار محروم جامعه نظیر بازنشستگان و بیکاران و بالاخره مقررات‌زدائی از عملکرد بانک‌ها و بورس‌ها یکی پس از دیگری اعمال شدند. جهانی‌شدن نیز نتیجه بلاواسطه سیاست نئولیبرالی بود. سرمایه جهانی آغاز به بلعیدن مراکز آموزشی، بیمارستان‌ها و خانه‌های سالمندان کرد. هدف این جهان‌خواران، که کسب حداکثر سود بود، نمی‌توانست به پائین‌آوردن دستمزدها، کاهش پرسنل و کاهش امکانات درمانی و آموزشی (کادر معلمین و کادر درمانی)، کاهش یا ثابت نگه داشتن دستمزد کارگران به طور کلی، حذف اکثر مجموعه‌های آپارتمان‌های اجتماعی و ... نینجامد و انجامید. نمی‌توانست به تعمیق و گسترش دره فقر نینجامد و انجامید. سندیکاهای موجود زرد در خدمت سرمایه‌داران قرار گرفتند، حقوق و منافع کارگران را در بارگاه سرمایه جهانی قربانی کردند. طبقه متوسط نیز در این میان هر روز بیش‌تر از روز قبل صدمه خورد و در معرض نابودی قرار گرفت. بحران پاندمی اما به وضوح کمبودها، تنگناها، به ویژه در عرصه بهداشت و

درمان و آموزش را به نمایش گذاشت. بحران کرونا نشان داد تا چه اندازه نیروی بازار که نتولیرالیسم به آن می‌بالید و برخی هنوز هم به آن می‌بالند، ضربه‌پذیر است و در ارائه راه حل عاجزند.

بحران کرونا نشان داد که سیستم بهداشت و درمان، حتی در پیشرفته‌ترین کشورها، تا چه حد ضربه‌پذیر است. تخت و تجهیزات کافی، به ویژه در بخش‌های اورژانس به علت صرفه‌جویی صاحبان طماع آنها وجود ندارد. کادر درمان به علت کمبود نیروهای آموزش دیده و واجد شرایط در تنگنا و تحت فشار بی‌سابقه است. در واقع نه تنها تخت‌ها و دستگاه‌های مراقبت ویژه به اندازه کافی موجود نیست، بلکه حتی پزشکان و پرستاران کافی در دسترس نیستند تا قادر باشند از دستگاه‌های موجود استفاده بهینه کنند. در عوض به عنوان «قدرانی»!! از کادر موجود، شیفت‌های ۱۲ ساعته را جایگزین شیفت‌های ۸ و ۶ ساعته کردند! گویا به علت کمبود مراجعان سایر بیماری‌ها به بیمارستان‌ها، در اواسط همه‌گیری کوید-۱۹ در آلمان ۲۰ کلینیک دولتی بسته شد. حتی برخی از دانشگاه‌های پرستاری نیز تعطیل شدند. بعضی از پرستاران با تجربه به علت شرایط حادث، طاقت فرسا و غیر انسانی کار و نیز دستمزد پائین به این شغل پشت کرده‌اند. در حقیقت سیستم مراقبت‌های بهداشتی بی‌رحمانه تابع سود گشته است. از همین رو بود که وزیر بهداشت آلمان «پنس شپان» (Jens Georg Spahn) تعطیلی ۲۰ بیمارستان ذکر شده در بالا را اعلام کرد و ادعا کرد که این امر «باعث بهبود امکانات درمانی می‌شود»! در واقع بقایای کلینیک‌های دولتی به نفع گروه‌های کلینیک و بیمارستان‌های خصوصی تخریب می‌شوند. در زمینه مراقبت از سالخورده‌گان، اوضاع به همان نسبت فاجعه‌بار به نظر می‌رسد و هیچ چشم‌اندازی هم برای بهبود وضع آنان وجود ندارد. مضحک به نظر می‌رسید، اما برای نمونه در خانه‌های سالمندان آلمان کمبود ماسک FFP2 برای محافظت از کادر درمان، ساکنان آن و بازدیدکنندگان به چشم می‌خورد. مدت زمان زیادی طول کشید تا حداقل تجهیزات لازم در دسترس باشد. لازم به ذکر است که به عنوان بخشی از اصلاحات نتولیرالی، دولت آلمان فدرال انبارهای اولیه برای مقابله با بلایای پیش‌بینی نشده را از بین برد، زیرا که گران تمام می‌شد! کلیه این اقدامات ریاضتی که سودهای کلانی برای چند گروه بیمارستانی و دارویی به ارمغان آورده است، چیزی نیست جز اقدامات ضد انسانی و جنایتکارانه آنها به نفع سرمایه‌داران. رفتاری که دولت‌های نتولیرال نسبت به سالمندان دارند احساس این سوءظن را تشدید می‌کند که گویا قصد دارند «شر» آنها را از سر خود کم کنند.

اکنون دولت به یکباره به صرافت افتاده که بدون مداخله دولت بازار کالا، خدمات، بورس ... به سقوط خود ادامه خواهند داد و در آینده نزدیک دیگر «نه از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاک‌نشان». البته دولت‌ها در کشورهای سرمایه‌داری به مثابه نمایندگان این نظام، که برای خود وظیفه دیگری جز نجات سرمایه‌داران قائل نیستند، امکانات خود را در درجه اول در اختیار کنسرن‌ها و شرکت‌های بزرگ، بانک‌ها و ... قرار خواهند داد و عیان می‌سازند که از این «دخاله گسترده دولت در بازار» چه کسانی بیش‌ترین بهره و چه کسانی بیش‌ترین ضرر را خواهند بُرد. مثلاً در آلمان به جامعه هنرمندان، صاحبان مشاغل کوچک نظیر مغازه‌داران، صاحبان رستوران‌ها و کارکنانشان، آرایشگاه و ... یا کمکی تعلق نمی‌گیرد و یا با تعلل و دیر وقت بسیاری از آنها یا ورشکست شده‌اند و یا در معرض خطر ورشکستگی قرار گرفته‌اند. انبوهی از کارگران و کارمندان به علت تعطیلی کارخانه‌ها و شرکت‌ها حداکثر ۶۰ درصد از حقوق (طبق قانون کار نیمه وقت) خود را دریافت می‌کنند. اما همین دولت به کنسرن «لوفت‌هانزا» که ارزش واقعی‌اش ۳،۵ میلیارد یورو بیش‌تر نیست، در قبال دریافت ۲۰ درصد از سهام آن ۹ میلیارد یورو از کیسه مردم بذل و بخشش کرده است. در واقع با کمک دولت می‌توان ۲،۵ بار «لوفت‌هانزا» را خرید! دولت آلمان در واقع با پیش‌شرط گذاردن برنامه ریاضت اقتصادی چشمگیر باعث شده است که تاکنون در «لوفت‌هانزا» ۳۰ هزار کارمند و کارگر شغل خود را از دست بدهند و شاغلان باقی‌مانده نیز ناچارند که به کاهش شدید دستمزد تن در دهند تا شغل خود را از دست ندهند. همین

بازی را نیز با راه آهن آلمان «دویچه بان» انجام دادند. «دویچه بان»، که ۴۵ میلیارد یورو «کمک اضطراری» از دولت فدرال دریافت کرده است، در نظر دارد ۱۰ هزار کارگر و کارمند را اخراج کند تا دو میلیارد یورو از مخارج خود به نفع سهامدارانش بکاهد! کنسرن‌های «دایملر» («مرسدس بنز»)، «بی ام وی» از یک طرف کمک‌های دولتی را دریافت می‌کنند و از طرف دیگر با پرداخت میلیاردها یورو سود، جیب سهامداران خود را پُر می‌کنند. این در حالی است که میلیون‌ها نفر در چنگال بیکاری و فقر گرفتارند. کنسرن «بی ام وی» از یک طرف یک میلیارد و ششصد و چهل هزار یورو سود به سهامداران می‌پردازد و همزمان برای ۲۰ هزار کارگر و کارمند خود از دولت تقاضای کمک هزینه «دستمزد کوتاه مدت دولتی» می‌کند. گرچه کارخانه دایملر در ۳ ماهه سوم سال ۲۰۲۰ سودش ۲،۲ میلیارد یورو بیش‌تر از ۳ ماهه سوم سال ۲۰۱۹، که ۱،۸ میلیارد یورو بود، با اجرای یک «برنامه پس‌انداز» - بخوان نتولیرالی - بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران و کارمندان شاغل خود می‌کاهد.

هفته گذشته سازمان بین‌المللی کار اعلام کرد که کرونا ۲۵۵ میلیون شغل تمام وقت را از بین برده است. محدودیت‌های اعمال شده توسط دولت‌ها در مقابله با گسترش ویروس کوید-۱۹، موجب از میان رفتن ۸،۸ درصد از ساعت کار در جهان - معادل ۲۵۵ میلیون شغل تمام وقت شده است. سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که تبعات محدودیت‌های شغلی کرونا - که بورژوازی بعضاً در راستای «ریاضت اقتصادی و کسب حداکثر سود (نتولیرالیسم) اعمال کرده است، تا چهار برابر سنگین‌تر از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ بوده و جدی‌ترین بحران بازار کار پس از رکود بزرگ ۱۹۲۹ به شمار می‌آید. به قول حزب برادر ما سرود ملی جدید کشور آلمان تغییر یافته است که عبارت است از: «سود، سود بالاتر از همه چیز، بالاتر از همه چیز در جهان!» (بر وزن «آلمان آلمان بالاتر از همه چیز...»).

طبق آمار موجود تعداد خودکشی در میان افراد بیکار حدود ۲۰ درصد بیش‌تر از شاغلان جامعه است. زنان ثروتمند حدود ۸ سال و مردان ثروتمند ۱۰ سال بیش از زنان و مردانی عمر می‌کنند که در فقر زندگی می‌کنند. قریب به ۳۰ درصد از مردانی که در فقر به سر می‌برند، به سن ۶۵ سال نمی‌رسند. بسیاری از فقراء ده‌ها سال است که یا بی‌سرپناه‌اند و یا سر پناهی قدیمی، فاقد آب گرم، حمام، منبع گرمایش ... در اختیار دارند. شرایط زندگی کارتن‌خواب‌ها در سراسر جهان به ویژه در مناطق سردسیر، در سیاهی زمستان که از یک طرف با سرما دست و پنجه نرم می‌کنند و در خطر منجمد شدن قرار دارند و از سوی دیگر شدیداً در معرض ابتلاء به بیماری کرونا هستند. دهشتناک و مرگ زاست، چرا نمی‌توان این کارتن‌خواب‌های بی‌نوا را در اتاق‌های هتل‌ها، که ماه‌هاست خالی افتاده‌اند، اسکان داد؟

آیا نمی‌شود به علت عدم پرداخت صورت حساب گاز و آب و برق بیکاران دوران پاندمی دستور جلوگیری از قطع آنها را صادر کرد؟ آیا نمی‌شود جلوی تخلیه اجباری اماکن مسکونی بینوایان را در دوره پاندمی که قادر به پرداختن اجاره بهای خود نیستند، گرفت؟ آیا ننگ‌آور نیست که نماینده «سوسیال دموکرات» آلمان در پارلمان این کشور از دولت می‌خواهد که حقوق ماهانه کمک‌های اجتماعی را کاهش دهد، زیرا که سینما و تئاتر و رستوران‌ها بسته‌اند و مخارج دریافت‌کنندگان کمک‌های اجتماعی کاهش یافته است؟! «شلمو آوینری» در نشریه اسرائیلی «هاآرتص» مهم‌ترین تأثیر کرونا را «ایجاد بحران و فروپاشی الگوی محافظه‌کار نتولیرالیسم» ارزیابی کرد. نتولیرالیسم نه تنها باعث از میان رفتن «دولت رفاه» - که بورژوازی بعد از جنگ جهانی دوم برای جلوگیری از نفوذ کمونیست‌ها به تدریج به مرحله اجراء گذارده بود - گردید. نه تنها کارگران و کارمندان را چه از نظر ساعت کار و چه از نظر دستمزد تحت فشار گذارد، نه تنها به تعداد بیکاران افزود، نه تنها در فقر و ثروت را عمیق‌تر کرد، نه تنها گرسنگی و فقر را در جهان گسترش داد... بلکه نقش مؤثری در پیدایش جنبش پوپولیستی، ناسیونالیستی و فاشیستی در سراسر جهان، به ویژه در کشورهای غربی شد.

«ترمپ» و «بولسونارو» «ویکتور اوربان» و هم‌مسلمان پولندی و المانی و فرانسوی و ایتالیایی...شان محصولات بلاواسطه نئولیبرالیسم‌اند. اتفاقاً قدرت‌یابی دولت‌ها زمینه مساعدی برای فاشیست‌هایی که در کمین کسب قدرت سیاسی نشسته‌اند، ایجاد خواهد کرد. تاریخ سرمایه‌داری به وفور شاهد چنین رشد سرطانی بوده است. بحران کرونا در عین حال روز به روز بحران‌های جدیدی بر بحران‌های تکنونی سرمایه‌داری می‌افزاید و آن‌ها را برملا می‌سازد، بحران‌هایی که هم در کوتاه مدت و هم در درازمدت لاعلاج‌اند. از آنجا که دولت‌ها به عوض حفظ سلامت مردم در درجه اول فکر حفظ رشد اقتصادی و سرمایه مالی هستند، از یکسو مردم را به «زندگی درازمدت با کرونا» دعوت می‌کنند و از سوی دیگر به اندازه کافی و با سرعت وسائل پیش‌گیری و درمانی اضطراری نظیر واکسین و کمک‌های سریع و بلاعوض مالی در اختیار مردم نمی‌گذارند، ولی همزمان شرم ندارند که با ارائه آمار و ارقام مردم را به سهل‌انگاری و افزایش تعداد مبتلایان سرزنش کنند.

در واقع کسانی را به طور عمده سرزنش می‌کنند که به خاطر امرار معاش روزانه ناچارند از خانه بیرون آیند. طبیعتاً اینگونه افراد نمی‌توانند تماس‌های خود را محدود و از خود در مقابل ابتلاء به ویروس به اندازه کافی حفاظت کنند. اتفاقاً همین‌ها هستند که از امکانات پیش‌گیرانه لازم، تست و خدمات بی‌بهره‌اند و به علت فقر دستگاه ایمنی بدنشان مقاومت چندانی در مقابل ویروس از خود بروز نمی‌دهند. همین‌ها از وسائل نقلیه عمومی استفاده می‌کنند. در نتیجه امکان ابتلاء به کرونا در آنها بالاتر از اقشار مرفه است. همین‌ها هستند که در اکثر کشورها در اثر کالانی‌شدن سیستم بهداشت و سلامت در مقابل پاندمی ناچار به تسلیم‌اند. از سوی دیگر پاندمی نه تنها فاصله طبقاتی را افزایش بخشیده، بلکه به رشد نژادپرستی و ستم مضاعف بر زنان - هم در اجتماع و هم در عرصه خانواده‌ها - انجامیده است. به علت تعطیل بودن کودکان، مدارس و بعضاً دانشگاه‌ها نه تنها پناهمردن به مواد مخدر و سایر انحرافات اجتماعی افزایش یافته، بلکه بیماری‌های افسردگی، خشونت و اعتیاد... نیز رو به افزایش‌اند. آمار خشونت در منزل و طلاق نیز در یکسال گذشته به صورت چشم‌گیری رشد داشته است. دست‌اندرکاران حکومتی به همه این نابسامانی‌های اجتماعی و به همه این آمار و ارقام واقف‌اند. اما در عین حال فعالانه در حال ایجاد شرایطی هستند که صدها هزار نفر از کار اخراج شوند و محیط زیست را نابود سازند. (که ما بعداً به این مسأله بیش‌تر خواهیم پرداخت). حقوق دموکراتیک در درازمدت برچیده می‌شود، به تدریج فضای بیش‌تری به فاشیست‌ها داده می‌شود، تسلیحات و امکانات نظامی برای جنگ‌های آتی، که از پی جنگ‌های اقتصادی کنونی خواهند آمد، افزایش می‌یابد، بیکاری، فقر و درماندگی و فلاکت به سرعت رشد می‌کند و در عوض سرمایه‌داران کلان از این وضع بهره‌مند می‌شوند. دلیلی ندارد که آنها به تغییر این وضع تن در دهند. اما سیستمی که نمی‌تواند ایمنی اجتماعی، بهداشتی، آموزشی شغلی و به یک کلام شرایط مناسب زندگی را به مردم ارائه دهد، سیستم آن‌ها نیست. آن‌ها به یک جامعه انسانی نیاز دارند.

در نتیجه بحران ادامه خواهد یافت. در سال ۲۰۲۱ حتی بدتر هم خواهد شد، زیرا کارگران، کارمندان باید بدهی‌های دولت را که در اثر «کمک‌های میلیاردی» به کنسرن‌ها روز به روز در حال افزایش است، پرداخت کنند.

باید علیه بحران و در عین حال بار بحرانی که مسئولین سعی بر انتقال آن به افراد شاغل دارند، مبارزه کرد. کمونیست‌ها باید از هر مرحله از مبارزه و مقاومتی، هر چند کوچک حمایت کنند. بحران عمیق سیستم سرمایه‌داری، که در سال ۲۰۲۰ برجسته گشت، باعث شد که نقاط ضعف و جانیات بورژوازی آشکار شود و در نتیجه تکان شدیدی در طبقه کارگر در سراسر جهان از جمله کشور خودمان بوجود آورد. این در حالی است که طبقه کارگر به دلیل حملات سرمایه به طور فزاینده‌ای شروع به حرکت کرده است. گرچه هنوز مردد است، ولی مجبور خواهد بود که به مبارزه

ادامه دهد. بنابر این طبقه کارگر در سال ۲۰۲۱ به توسعه مبارزات خود ادامه خواهد داد. خودآگاهی این طبقه افزایش خواهد یافت. مبارزه آنها علیه سرمایه‌داری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اگر قرار است چیزی تغییر کند، این کارگران و زحمتکشان هستند که باید با کسب قدرت سیاسی به امیال خود دست یابند. آنها ناچارند که برای دستیابی به حقوق واقعی خود فعالانه و سرسختانه به مبارزه برخیزند. حزب واحد کمونیست خود را تقویت کنند تا با قدرتیابی قادر به رهبری مبارزات باشند و با سرنگونی نظام جابر و طماع امکان دستیابی به قدرت سیاسی را فراهم سازند و آنگاه نظامی را بنا نهند که حافظ منافع اکثریت جامعه باشد و نه اقلیتی دروغگو، زورگو، سودجو و جنگ‌افروز.

برگرفته از توفان شماره ۲۵۷ مرداد ماه ۱۴۰۰ اوت ۲۰۲۱
ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)